



University of Tehran Press

Private Law

Home Page: <https://jolt.ut.ac.ir>

Online ISSN: 2423-6209

Managers' Fiduciary Responsibility Regarding the Company's Financial Information

Ahmad Shahniaai¹ | Ali Askari Najafabadi²

1. Institute for Management and Planning Studies (IMPS) Tehran, Iran. Email: A.shahniaai@imps.ac.ir

2. Corresponding Author, Private Law, Institute for Management and Planning studies (IMPS) Tehran, Iran. Email: Aliaskari@hotmail.fr

ARTICLE INFO

Article type:

Research Article

Article History:

Received March 13, 2023

Revised May 19, 2023

Accepted May 21, 2023

Published online 16 October 2023

Keywords:

Fiduciary Responsibility,

Commercial Company,

Board of Directors,

Fiduciary Obligation,

Informatio.

ABSTRACT

In this article, an attempt is made to explain the various aspects of the Company managers' use of the beneficiaries of the information they have because of their managerial position and Iran legal shortcomings in the light of fiduciary responsibilities of managers. For this reason, first, the legal bases of board of directors responsibility in commercial companies are explained. Then, the types of fiduciary requirements of managers in commercial companies and approaches to fiduciary responsibility are also examined. In the following, it lists the guarantee of implementation of the use of financial information. According to the author, non-abuse of information is also part of the fiduciary requirements, and managers as company employees must return to the company any use they have received from exercising management powers. For this reason, the purpose of examining this issue is the pathology of Iran's legal system regarding the fiduciary responsibility of managers.

Article: Shahniaai, A. & Askari Najafabadi, A. (2023). Managers' Fiduciary Responsibility Regarding the Company's Financial Information. *Private Law*.20 (1), 167-179. DOI: <http://doi.org/10.22059/jolt.2023.360503.1007211>



© Ahmad Shahniaai, Ali Askari Najafabadi

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jolt.2023.360503.1007211>



مسئولیت امانی مدیران در زمینه اطلاعات مالی شرکت

احمد شهینیایی^۱ | علی عسکری نجف‌آبادی^{۲*}

۱. عضو هیئت‌علمی مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران، ایران. رایانامه: A.shahniaai@imps.ac.ir

۲. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران، ایران. رایانامه: Aliaskari@hotmail.fr

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۲

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۲۴

منظور از مسئولیت امانی الزام‌آمین در یک رابطه امانی به استرداد منافع تحصیل‌شده و جبران خسارت اصیل در صورت نقض تعهدات امانی است. همچنین، منظور از مدیر اعضای هیئت‌مدیره شرکت و منصرف از مدیرعامل است. هدف این مقاله بررسی جنبه‌های مختلف بهره‌برداری مدیران شرکت‌ها از اطلاعاتی است که به دلیل جایگاه مدیریتی در اختیار دارند و همچنین کاستی‌های حقوقی ایران در پرتو مسئولیت‌های امانی. از این رو، مبنای حقوقی مسئولیت مدیران در شرکت‌های تجاری تبیین و اقسام الزامات امانی مدیران در شرکت‌های تجاری و رویکردها در مسئولیت امانی بررسی می‌شود. در ادامه پژوهشگران ضمانت اجرای استفاده از اطلاعات مالی را برمی‌شمارند و تصریح می‌کنند که عدم سوءاستفاده از اطلاعات نیز جزئی از الزامات امانی است و مدیران به عنوان کارمندان شرکت باید هر استفاده‌ای را که از اعمال اختیارهای مدیریت نصیبشان شده است به شرکت مسترد دارند. به همین جهت هدف از بررسی این موضوع آسیب‌شناسی نظام حقوقی ایران در خصوص مسئولیت امانی مدیران است.

کلیدواژه:

اطلاعات،

تعهد امانی،

شرکت تجاری،

مسئولیت امانی،

هیئت‌مدیره.

استناد: شهینیایی، احمد و عسکری نجف‌آبادی، علی (۱۴۰۲). مسئولیت امانی مدیران در زمینه اطلاعات مالی شرکت. حقوق خصوصی، ۲۰ (۱) ۱۶۷-۱۷۹.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jolt.2023.360503.1007211>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© احمد شهینیایی، علی عسکری نجف‌آبادی

DOI: <http://doi.org/10.22059/jolt.2023.360503.1007211>



مقدمه

امروزه سوءاستفاده از فرصت‌های شغلی تبدیل به یکی از چالش‌های عمده حقوق ایران شده است و حساسیت‌های گسترده‌ای نه تنها در میان مجامع علمی، بلکه در میان عموم افراد جامعه ایجاد کرده است؛ به نحوی که جامعه به مسائل مربوط به آن بسیار حساسیت نشان می‌دهد. از جمله فرصت‌های شغلی حساسیت‌برانگیز فرصت‌های ناشی از تصدی سمت مدیریت در شرکت‌های تجاری است. شرکت‌های تجاری اراده خود را به وسیله مدیران اعمال می‌کنند و اراده‌ای مستقل از اراده مدیران ندارند. از این رو در برابر سوءاستفاده مدیران بسیار آسیب‌پذیر هستند. یکی از وجوه استفاده نامشروع مدیران استفاده از اطلاعاتی است که اشخاص به سبب مدیریت به دست می‌آورند و در تجارت با شرکت به ایشان موقعیتی بالاتر از سایر رقبا می‌بخشد. در بسیاری از کشورها ضمانت اجرای مختلفی جهت جلوگیری از این سوءاستفاده‌ها پیش‌بینی شده است. در میان ضمانت‌اجراهای حقوقی نظام خاصی از مسئولیت پیش‌بینی شده که به مسئولیت امانی مشهور است و در همه روابط امانی و از جمله رابطه میان شرکت و مدیران آن اعمال می‌شود. منظور از مسئولیت امانی الزام امین به استرداد منافی است که با سوءاستفاده از رابطه امانی، بدون اطلاع اصیل، تحصیل کرده است و از آن پاره‌ای تعهدات موسوم به الزامات امانی ناشی می‌شود. بدین جهت مسئولیت امانی نه تنها این سوءاستفاده‌ها را منع می‌کند، بلکه فراتر از آن مدیر (به صورت کلی هر شخص دیگری که به سمت رابطه امانی مسئولیت امانی ناشی از الزامات امانی بر وی تحمیل می‌شود) را ملزم می‌کند که منافی را که از این راه به دست آورده بازگرداند؛ ولو آنکه از این مسیر به شرکت ضرری نرسیده باشد. پس، هر گونه استفاده از اطلاعات به دست آمده از سمت مدیریت فقط باید هم‌سو با منافع شرکت تجاری به کار گرفته شود و استفاده از اطلاعات شرکت به منظور منافع شخصی نامشروع و مسئولیت‌زا خواهد بود. در این مقاله، ابتدا مفهوم مدیر به صورت مختصر بیان می‌شود. سپس، مسئولیت امانی و الزامات ناشی از آن بررسی و با تأکید بر این نکته که اطلاعات ناشی از سمت مدیریتی مال محسوب می‌شود به ضمانت‌اجراهای تحمیل مسئولیت امانی بر مدیران پرداخته می‌شود.

۱. مفهوم مدیر در شرکت‌های تجاری

با بررسی متون قانونی در خصوص تعریف عنوان مدیر در شرکت‌های تجاری نوعی تشکیک و عدم هماهنگی میان نصوص وجود دارد؛ به نحوی که در موارد سکوت و ابهام قوانین تعیین اصل کلی آسان نیست و به تفسیر اراده مقنن نیاز است. مثلاً از یک سو اگرچه قانون تجارت تعریف مشخصی از مدیر ارائه نمی‌دهد، بنا به مواد ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۰۹ و ۱۱۰ و ۱۱۱ و ۱۱۲ و ۱۱۹ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، می‌توان گفت منظور از مدیران شرکت اعضای هیئت‌مدیره شرکت هستند (صادق‌نشاط و شعبانی کندسری، ۱۳۹۵: ۴۶).

بنابراین، جز در موارد خاصی که مدیرعامل نیز جزء مدیران شرکت نام برده شده باشد، به طور خاص، نمی‌توان مدیرعامل را از دیدگاه قانون تجارت جزء مدیران شرکت قلمداد کرد. از دیگر سو، در بند ۱۹ ماده ۱ قانون اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی (قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه) مدیران شرکت به صراحت شامل مدیرعامل نیز می‌شوند. این ناهماهنگی تا حدی از منابع متفاوت در قانون‌گذاری، غلبه رویکردهای غیر فنی و غیر حقوقی در فرایند تصویب مقررات، و تمایل به تبعیت از عرف در تقنین ناشی می‌شود. این تغییر رویکردها هم در عرصه طولی هم در عرصه عرضی (به لحاظ زمانی) قابل توجه و تبیین است.

تعیین مراد مقنن از مدیر و وارد بودن یا خارج بودن مدیرعامل و مدیران واسطه‌ای (مدیران بخش‌ها و غیر آن) علاوه بر استفاده پژوهشی به جهت شمول یا عدم شمول مسئولیت امانی بر ایشان و همچنین مباحث متعدد کیفری هم از جهت حقوق کیفری هم از جهت حقوق مدنی از اهمیتی شگرف برخوردار است. نظر به اینکه اولاً حسب مفاد ماده ۵۱ قانون تجارت، که در حال حاضر در خصوص شرکت‌های تضامنی و نسبی دارای اعتبار است (نیک‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۷۰)، مسئولیت مدیر شرکت در مقابل شرکا همان مسئولیت است که وکیل در مقابل موکل دارد و این وکالت به جهت کیفیت انتخاب صرفاً در خصوص هیئت‌مدیره متصور است و ثانیاً با توجه به مفاد ماده ۱۲۵ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت که در آن مدیرعامل را نماینده شرکت

در حدودی که به وی اختیار تفویض شده است می‌داند و ماده ۱۳۵ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت که همه اعمال و اقدامات مدیران و مدیرعامل شرکت را در مقابل اشخاص ثالث (و نه در مقابل شرکت) نافذ و معتبر می‌داند می‌توان استنباط کرد که مدیرعامل فقط در حدود اختیاراتی که هیئت‌مدیره به او اعطا کرده است اختیار نمایندگی شرکت را دارد و اعمال خارج از حدود اختیار اعتباری ندارد. در نتیجه مدیرعامل صرفاً عامل ابراز اراده هیئت‌مدیره است و اختیارات مستقل ندارد (اسکینی، ۱۳۹۸: ۲۰۸). بنابراین، در این تحقیق به تبعیت از قانون تجارت مراد از مدیر صرفاً اعضای هیئت‌مدیره شرکت هستند.

۲. مفهوم مسئولیت امانی و اصول حاکم بر آن

نمی‌توان جز با تبیین مفهوم مسئولیت امانی به‌سادگی مبنایی برای مسئولیت مدیر در قبال استفاده از اطلاعات شرکت ارائه داد. این مسئولیت قالب خاصی از مسئولیت است که ریشه در نظام‌های حقوق عرفی دارد و در عرض مسئولیت قراردادی و ضمان قهری قرار می‌گیرد و فرع بر این دو نظام نیست. در این نظام‌های حقوقی مسئولیت فرع بر وجود یک رابطه امانی است و از این جهت که این رابطه امانی ممکن است از قرارداد یا وقایع حقوقی ایجاد شود (Lim, 2015: 277; Getzler, 2006: 157) رابطه آن با مسئولیت قراردادی و ضمان قهری اعم و اخص من وجه است.

در نظام‌های حقوقی عرفی برای اشاره به مسئولیت امانی از واژه‌ای استفاده شده که گفته می‌شود منبعث از کلمه «فیدوسیا» در زبان لاتین است و به عقدی معین اشاره دارد (Sherman, 2012: 102). در نظام‌های نوشته و حقوق اسلام مسئولیت امانی جنبه مستقل ندارد و عموماً ذیل مباحث حقوق قراردادهای و تعهدات ضمن عقود امانی طرح می‌شود. در حقوق رم، این عقد عناصری مرتبط با تراست^۱ و مسئولیت دارد که به نظر برخی پژوهشگران ریشه در قوانین بسیار قدیمی‌تر دارد و حتی در نخستین مجموعه قانونی، موسوم به قوانین حمورابی، می‌توان نشانه‌هایی از آن یافت^۲ (بادامچی، ۱۳۹۲: ۱۰۰).

مسئولیت امانی به صورت خلاصه ناظر بر مسئولیت امین در خصوص نقض وظایف امانی است و ضمانت اجرای آن بسته به مورد جبران خسارت یا استرداد منافع حاصله است. در خصوص اینکه مسئولیت‌های امانی ناظر به چه مواردی است میان نویسندگان اجماع وجود ندارد و نویسندگان از یک تا ده‌ها تعهد را به عنوان مصداق این تعهد برشمرده‌اند. این تفاوت در تعهدات بیشتر ناشی از تفاوت در نوع نگرش در موضوع است و بیشتر از آنکه ثمره علمی داشته باشد دارای فواید علمی است.

در قالب این مسئولیت اگر شخصی متولی مال دیگری باشد و مال دیگری در تصرف او (اعم از تصرف مادی یا حقوقی) باشد مسئول خسارات وارد شده به آن مال در صورت نقض وظایفش است. با این همه، با توجه به شرایط و احوال و اشخاص، قواعد ممکن است تغییر کند. این قواعد بسته به مورد بسیار منعطف هستند و در شرایط مختلف حکمی واحد ارائه نمی‌کنند. در خصوص حدود استفاده و محدودیت‌های استفاده از مسئولیت امانی میان پژوهشگران اتفاق نظر وجود ندارد (Worthington, 2013: 720). مسئولیت امانی صرفاً راهکاری جهت جبران خسارات ارائه نمی‌دهد؛ بلکه چارچوبی است تا رفتار کنشگران حقوقی را اصلاح کنند (Heydon, 2014: 1006). این نکته، علاوه بر اینکه ضرورت جبران خسارت را تبیین می‌کند، با ایجاد قسمی حقوق نرم^۳ سعی در پیشگیری از تعارض منافع، نقض تعهدات، و معامله با خود دارد.

۲.۱. رویکردها در مسئولیت امانی

اگرچه بحث در زمینه قاعده استیمنان و تعهدات امین در فقه نظام حقوقی نوشته مسبوق به سابقه است، توجه به مسئولیت امانی به منزله مبنایی مستقل برای تعهدات بیشتر ریشه در حقوق عرفی دارد (Gelster & Hellinger, 2018: 1). با بررسی آرای نویسندگان حقوق عرفی، می‌توان دو نگرش در زمینه مقوله مسئولیت امانی یافت:

1. Trust

۲. از قانون حمورابی: اگر سرمایه‌گذاری پولی به فروشنده‌ای، بدون چشم‌داشت سود، بدهد و فروشنده زیان ببیند، اصل پول را به سرمایه‌گذار برمی‌گرداند.

3. soft law

۱.۱.۲. رویکرد جبرانی^۱

نخستین دیدگاه، که به دیدگاه مالکیت‌گرا نیز مشهور شده است (Birks, 2000: 34)، بر این نظر است که قواعد مسئولیت امانی برای حمایت از حق مالکیت پذیرفته شده است و مسئولیت امانی مجموعه‌قواعدی است که برای حفاظت از حقوق مالکانه ذی‌نفع وضع شده است. آنچه در این نظریه اهمیت دارد مالکیت و حفاظت از آن به مثابه نهادی مقدس است و به شکلی ملموس بازتاب‌دهنده فلسفه لاک و روح حاکم بر نظام سرمایه‌داری است (Goode, 2011: 493).

۲.۱.۲. رویکرد عدالت‌گرا

در مقابل این نگرش، دیدگاه دیگری ظهور کرده است که می‌توان آن را رویکرد عدالت‌گرا^۲ توصیف کرد. بر اساس این دیدگاه، مسئولیت امانی ثمره اصول عدالت‌محوری است که تلاش دارند نتایج نامطلوب سایر قواعد حقوقی را تخفیف دهند (Millett, 1958: 583). بر اساس این دیدگاه، برخلاف نگرش مالکیت‌گرا، قواعد مسئولیت امانی صرفاً به جهت حمایت از مالکیت نیست و در مقابل به جهت ایجاد تعادل در رابطه طرفین و جلوگیری از سوءاستفاده وضع شده است تا با کیفر متجاوز نوعی عدالت در رابطه طرفین ایجاد کند (Nolan, 1997: 220). در این میان یکی از پژوهشگران در اثر خود قائل به کارکرد حفاظت‌گرایانه مسئولیت امانی در قبال مسئولیت‌های غیر امانی است (Conaglen, 2010: 35). این نگرش را اگرچه می‌توان حفاظت‌پیشگیرانه نام‌گذاری کرد، تا با این توصیف سومین نگرش در زمینه مسئولیت امانی از سایر رویکردها قابل تفکیک باشد، گویی در رویکرد عدالت‌گرا به مثابه رویکردی ثانوی نیز قابل تحلیل است. به نظر می‌رسد این نگرش با قواعد و هنجارهای حقوقی هماهنگی بیشتری داشته باشد و دشواری‌ها و مشکلات تحلیل‌های پیش‌گفته را هم نداشته باشد و علاوه بر این به جهت مبانی جهان‌شمول آن کمتر وابسته به نظام فکری خاصی است و بیشتر قابل درک و پذیرش است. در نتیجه، چنانچه بنا بر ارائه پیشنهادی اصلاحی در حقوق ایران باشد، شایسته است در مقام استدلال مد نظر قرار گیرد.

۲.۲. الزامات ناشی از مسئولیت امانی

وظایف امانی از مسئولیت امانی ناشی می‌شود و محدودیت‌های متعدد برای امین به وجود می‌آورد و استانداردهای بالای رفتاری را به وی تحمیل می‌کند. از این تعهد، الزاماتی ناشی می‌شود و هدف از این وظایف آن است که امین مساعی خود را جهت به حداکثر رساندن منافع اصیل یا ذی‌نفع به کار گیرد و در قبال اصیل وفادارانه رفتار کند. این امر فقط بدین معنی نیست که وی صرفاً از اقدامات متعارض با منافع اصیل اجتناب کند، بلکه وی باید تلاش خود را جهت به حداکثر رساندن منافع اصیل نیز به کار گیرد. به عبارت دیگر تعهد وی هم تعهد به فعل مثبت هم تعهد به فعل منفی است. در کنار این، باید دانست که تعهدات امانی دارای مبنایی عدالت‌طلبانه است (بنا بر رویکرد دوم) که از ناتوانی حقوق عرفی در استانداردسازی برخی رفتارها ناشی شده است. در این میان، آنچه از بررسی رهنامه^۳ و آرا برمی‌آید تزامنی ناشی از نیاز به داشتن روابطی منعطف و بسیط از یک سو و تعهدات قانونی سنگین ناشی از اعمال رابطه امانی از دیگر سوست. مسئولیت امانی وضع شده است تا سطح ضروری اعتماد را برای هر رابطه مبتنی بر انتقال مالکیت در بستر رابطه‌ای امانی برای مدیریت خطر فراهم کند. با این وصف، نظر به اینکه همه روابط به میزانی یکسان از حمایت نیاز ندارند، مقنن صرفاً مسئولیت امانی را به برخی از روابط اختصاص داده است. در این زمینه، باید دانست که مسئولیت امانی یکی از مواردی است که معیارهای اخلاقی را در تجارت یا فرهنگ اجتماعی تضمین می‌کند تا بدین وسیله اشخاص را برانگیزاند تا معیارهای رفتاری‌ای را بپذیرند که منتهی به بهترین حمایت از روابط امانی شود. در این میان، مفهوم کلیدی چیزی جز وفاداری نیست (Norwood & Beveridge 1992: 655). به همین جهت یکی از پژوهشگران اظهار داشته است که اگر ممکن بود تعهد به وفاداری را از میان ببریم، در این صورت، دیگر هیچ حقوقی وجود نداشت تا بر روابط میان شرکا و شرکت و مدیر حکومت کند و نگرانی‌هایی را که حادث می‌شود مرتفع سازد (Ruder, 1985: 1384).

1. restitutionary approach
2. equitable approach
3. doctrine

وظایف امانی نتیجه مسئولیت امانی هستند و در قالب چهار تعهد از آن‌ها یاد می‌شود:

۱.۲.۲. تعهد به عدم تعارض منافع^۱

امین بر اساس این تعهد نباید خود را در جایگاهی قرار دهد که به واسطه قرار گرفتن در آن جایگاه در معرض خطر تعارض منافع با متعهدله باشد.^۲ بر اساس این قاعده، شخصی که وارد یک رابطه امانی می‌شود نباید در پی منفعتی غیر از منفعت متعهدله باشد. رابطه میان این تعهد و تعهد به منع تحصیل منفعت، که در بند آتی بدان پرداخته می‌شود، هیچ‌گاه به طور واضح تبیین نشده است؛ به نحوی که گاهی این دو را یک قاعده می‌دانند.^۳ در حقوق انگلستان، محاکم^۴ برای توجیه این تعهد به تعهدات عام‌تر و مبتنی بر انصاف ارجاع می‌دهند.

۲.۲.۲. تعهد به منع تحصیل منفعت^۵

این تعهد به طور ساده به این معنی است که شخص «الف» (امین) نباید به هزینه شخص «ب» (اصیل) منفعتی تحصیل کند. این تعهد همچنین در قالب تعهد به منع سوءاستفاده از اموال ناشی از رابطه امانی^۶ مورد بحث قرار می‌گیرد و یکی از موارد اعمال اصل تعارض منافع و وظایف^۷ است. این وظیفه در آرای متعددی در دادگاه‌های انگلستان تحلیل و تفسیر شده است.^۸

۳.۲.۲. تعهد به وفاداری^۹

این تعهد تا حدودی به قاعده اشتغال مضاعف^{۱۰} و قاعده تعارض وظایف^{۱۱} نزدیک و مانند است. بر اساس این تعهد، امین نباید خود را در موقعیتی قرار دهد که انجام دادن وظایف امانی وی در تعارض با انجام دادن وظایف امانی در قبال دیگری باشد. در نتیجه اعمال این قاعده، امین نباید اطلاعات مربوط به مشتریانش را در اختیار مشتری بالقوه قرار دهد. این قاعده منبث از یکی از اصول انصاف است که بر اساس آن امین نباید اجازه دهد وظایفش در قبال یک اصیل در تعارض با وظایفش در قبال اصیل دیگر باشد. در نتیجه اعمال این اصل، مثلاً در قراردادی که شرکت «الف» سهام شرکت ایکس را از شرکت «ب» خریداری کرده است نباید یکی از مدیران شرکت «الف» مدیر شرکت ایکس نیز باشد. چون وظیفه او در قبال ذی‌نفعان در تعارض با وظایف وی در مقام مدیر شرکت «الف» است.^{۱۲}

۴.۲.۲. تعهد به حفظ محرمانگی^{۱۳}

امین از اطلاعاتی که بر اساس وظایفش به دست می‌آورد باید منحصراً برای منافع اصیل استفاده کند. رابطه امانی ممکن است با پایان مدت قرارداد یا هر علت دیگری خاتمه پیدا کند و پس از پایان این رابطه دیگر امین مسئول دنبال کردن منافع اصیل نخواهد بود. با این همه، حتی پس از پایان مدت قرارداد یا فسخ آن، تعهد به حفظ اطلاعات اصیل باقی می‌ماند و امین موظف است از افشای اطلاعات امین، حتی پس از پایان رابطه امانی، خودداری کند.^{۱۴}

1. The 'no conflict' rule

2. In Plus Group Ltd v Pyke [2002] EWCA Civ 370, DON KING PRODUCTIONS INC V WARREN AND OTHERS: CHD 13 APR 1998, KAK LOUI CHAN V ZACHARIA: 1984

3. Industrial Development Consultants Ltd v Cooley (1972) 1 WLR 443

4. boardman v phipps (1966)

5. The 'no profit' rule

6. the misuse of property held in a fiduciary capacity rule

7. conflict of duty and interest principle

8. Regal (Hastings) Ltd v Gulliver (1942) UKHL 1

9. The 'loyalty' rule

10. The double employment rule

11. The conflict of duty rule

12. Transvaal Lands Company v New Belgium (Transvaal) Land and Development Company (1914)

13. The duty of confidentiality

14. Bristol and West Building Society v Mothew (1996) EWCA Civ 533

برخی از پژوهشگران تعهدات امانی را بیش از این چهار مورد و از جمله شامل تعهد به دقت و مهارت^۱ نیز می‌دانند و به همین جهت یکی از پژوهشگران ملاک امانی دانستن یک رابطه حقوقی را منوط به درک درست رابطه امانی می‌کند و به تبع آن تعهدات خارج از چهار مورد یادشده را غیر امانی می‌داند (Hudson, 2017: 24). به باور این پژوهشگران دو تفسیر متفاوت از مسئولیت امانی می‌توان ارائه داد که هر یک مبتنی بر قضایای مطروحه در محاکم هستند. هادسون این دو الگو را مدل مضیق^۲، که مبتنی بر پرونده بریستول علیه متیو^۳ است، و مدل موسع^۴، که مبتنی بر پرونده هندرسون علیه سندیکاهای مرت^۵ است، می‌نامد. در مورد نخست، قاضی از چهار وظیفه یاد کرد: ۱. تعهد به رفتار با حسن نیت؛ ۲. تعهد به عدم کسب سود؛ ۳. تعهد به عدم تعارض منافع؛ ۴. تعهد به لزوم اطلاع به اصیل در خصوص عمل برای ثالث یا خود امین. نویسنده این مدل را از آن جهت مضیق می‌داند که همه این موارد را فرع بر تعهد به وفاداری و لزوم وجود اعتماد می‌شمارد. این در حالی است که در مدل موسع پنج وظیفه وجود دارد: ۱. منع تعارض منافع؛ ۲. منع جلب نفع شخصی؛ ۳. الزام به رازداری؛ ۴. تعهد به حسن نیت هم‌سو با بهترین منافع اصیل؛ ۵. تعهد به مراقبت و مهارت. هرچند در ظاهر ممکن است به نظر برسد که این دیدگاه نسبت به دیدگاه نخست چندان موسع‌تر نیست، مورد اخیر تا حدود زیادی به قلمرو این تعهد می‌افزاید. زیرا ذی‌نفع به همان میزان که نیاز دارد در برابر رفتارهای غیرمسئولانه و سهل‌انگارانه محافظت شود نیاز دارد که امین حداکثر مهارت و مراقبت خود را به کار گیرد.

پژوهشگران موارد دیگری را نیز برای مسئولیت امانی یاد کرده‌اند. یکی از نویسندگان هشت وظیفه امانی را برمی‌شمارد (Finn, 2016: 24)؛ به نحوی که هر یک از فصل‌های کتاب وی به یکی از این وظایف اختصاص دارد. با این همه می‌توان گفت مجموعاً مقررات مشترکی بر امین تحمیل می‌شود و این تفاوت در تعداد بیشتر به تفاوت در نام‌گذاری برمی‌گردد. البته گفتنی است که همه تعهدات امانی در همه روابط جاری نیست؛ بدین صورت که مثلاً تعهدات امانی که بر مدیران اعمال می‌شود دقیقاً همان مواردی نیست که بر تراستی اعمال می‌شود.

یکی از پژوهشگران، با تکیه بر پرونده بریستول، بر آن است که وظیفه مهارت و مراقبت تعهدی امانی و منبعث از تعهد وفاداری است (Conaglen, 2010: 310). او در پاسخ به این سؤال که «آیا با حسن نیت رفتار کردن نیز جزء وظایف امانی هست؟» عبارتی از پرونده بریستول نقل کرد: «تعهدات امانی منحصر به وظایفی می‌شود که مختص به امین هستند و نتیجه نقض این وظایف نیز متفاوت از نقض سایر وظایف است». در این تحلیل از عبارت «مختص امین»^۶ استفاده شده تا ثابت شود وظیفه‌ای که منبعث از وظایف غیر امانی باشد نمی‌تواند امانی باشد. بنابراین، تعهد به حسن نیت تعهد امانی نخواهد بود. بر این اساس، تنها منع تعارض منافع و منع کسب سود شخصی به منزله تعهد امانی می‌تواند در نظر گرفته شود. این تحلیل را می‌توان نوعی تحلیل سلبی هم تلقی کرد. زیرا صرفاً ناظر به تعهدات منفی است.

به نظر می‌رسد برداشت فوق همراه با اندکی کژفهمی است. یکی از دلایل ما برای این ادعا مربوط به این است که ظاهراً دادگاه قائل به این است که تعهد به حسن نیت تعهدی امانی است. اما همان‌طور که بیان شد از تحلیل نادرستی که از عبارت قاضی میله ارائه شد نتیجه گرفته می‌شود که تعهد به حسن نیت تعهدی امانی نباشد. از بعضی عبارات دادگاه می‌توان استنباط کرد که گاهی نظر دادگاه به این سمت گرایش دارد که مبنای تعهد امانی نوعی اعتماد و مبتنی بر الزام به وفاداری است و مبتنی بر

1. duty of care and skill
2. narrow model
3. Bristol and West Building Society v Mothew
4. broad model
5. Henderson v Merrett Syndicates 9 (1995)

اهمیت این پرونده در این است که مجلس اعیان پذیرفت در قضیه واحد ممکن است هم بر اساس قرارداد هم خطا (tort) مسئولیت ایجاد شود. لویدز لندن سندیکایی از بیمه‌گران است و فرصتی برای سرمایه‌گذاری از یک سو و بیمه‌گری از دیگر سو فراهم می‌کند. شخصی که به نام او فعالیت می‌شود در سود شریک است. اما در صورتی که سرمایه‌گذاری زیان‌ده شود مسئولیت غیر محدودی خواهد داشت. در این پرونده طوفان در ایالات متحده به شرکت‌های بیمه ضررهای بسیاری وارد کرده بود. پس از آن، برخی سرمایه‌گذاران اقدام به طرح دعوا علیه مدیرانی کردند که تقصیر کرده بودند. آقای هندرسون یکی از این افراد بود که اقدام به پذیرش بیمه‌گذارها کرده بود. اینجا دو بحث مطرح شد؛ نخست اینکه آیا آقای هندرسون وظیفه امانی به اعمال حداکثر دقت و مهارت دارد یا خیر (که پاسخ مثبت بود) و دوم اینکه منشأ این تعهد قرارداد است یا خطا (که هر دو مورد پذیرفته شد).

6. peculiar to fiduciaries

الزامات ناشی از تراست و اعتماد است. دادگاه به صراحت وظیفه مراقبت و مهارت را غیر امانی می‌داند. دادگاه بر آن است که تعهد امانی نتایج خاص حقوقی مفید تعهد به مهارت و مراقبت ندارد.^۱

در مقابل نگرش مضیق دادگاه در این پرونده نظریه و مدل موسع دیگری قرار دارد. حسن این دیدگاه این است که با گسترش دامنه مسئولیت امانی به همه قلمروهایی که یک طرف آسیب‌پذیرتر است عدالت را بهتر تضمین می‌کند. به نظر می‌رسد بر اساس این دیدگاه بتوان تعهد امانی را به حوزه معاملات رهنی گسترش داد. بحران مالی ناشی از معاملات رهنی در غرب اهمیت این موضوع را بیشتر و بیشتر نشان داد.

به نظر می‌رسد حسن نیت می‌تواند نقطه ثقل گسترش مسئولیت امانی باشد. مؤید این نظریه رأی صادره در قضیه فصیحی علیه سافتور^۲ است. در این قضیه مدیر شرکت به مالک شرکت پیشنهاد داد که در مذاکرات خود رویکردی سخت‌گیرانه داشته باشد. این در حالی بود که او به صورت مخفیانه با رقبا مذاکره می‌کرد. قاضی در این پرونده رأی صادر کرد که بر اساس آن امین وظیفه مستقلی دایر بر اعلام اقدامات خلافش ندارد. با این وصف، او «وظیفه اساسی مدیریتی»^۳ به رعایت حسن نیت در انجام وظیفه دارد. در این پرونده قاضی عمومیت و انعطاف قاعده حسن نیت را ستود و نظر داد که حسن نیت به منزله فرعی از قاعده وفاداری باید به همه افراد امین تسری یابد. اخیراً در پرونده شرکت با مسئولیت محدود سرمایه‌گذاری سفرد علیه والترز^۴ قاضی اعمال قاعده حسن نیت را در مسئولیت امانی به صراحت منبعث از انصاف دانست.

۳. مسئولیت مدیران در خصوص اطلاعات شرکت به منزله مسئولیتی امانی

۱.۳. مبنای مسئولیت مدیران در برابر شرکت و شرکا

در مورد مبنای مسئولیت مدیران شرکت‌های تجاری در قبال شرکت و شرکا اجماعی وجود ندارد. این امر تا حدودی ناشی از تشتت منابع تدوین قوانین است. در خصوص موقعیت و جایگاه اشخاصی که امر تصمیم‌گیری و اداره شرکت‌ها را انجام می‌دهند چهار دیدگاه مطرح است. طرفداران دیدگاه اول با استناد به ماده ۵۱ قانون تجارت ۱۳۱۱ بر آن‌اند که مدیران شرکت تجاری وکیل آن شرکت هستند (مهدیان و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۶۳). طرفداران دیدگاه دوم نیز با توجه به ایراداتی که درباره نظریه وکالت مدیران مطرح شده و با استناد به برخی مواد قانونی و اصول حقوقی بر آن‌اند که مدیران شرکت سهامی نمایندگان آن شرکت هستند. این پژوهشگران بر این باورند که طبق ماده ۵۱ قانون تجارت ۱۳۱۱، که با تدوین و اجرای لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت نسخ ضمنی شده است، هیئت‌مدیره وکیل سهام‌داران محسوب می‌شوند. ولی، طبق قانون جدید، رابطه وکیل و موکل بین هیئت‌مدیره و سهام‌داران تصریح نشده است و قانوناً چنین رابطه‌ای بین هیئت‌مدیره و شرکت وجود دارد. به عبارت دیگر، امروزه هیئت‌مدیره وکیل شرکت محسوب می‌شود نه وکیل سهام‌داران (نصیری، ۱۳۸۳: ۳۲۷). طرفداران دیدگاه سوم با قیاس رابطه مدیران و شرکت با رابطه کارگر و کارفرما بر آن‌اند که مدیران مستخدم شرکت هستند (تفرشی، ۱۳۷۸: ۱۲۳). و بالاخره طرفداران دیدگاه چهارم، با استناد به مواد ۱۷ و ۱۱۸ و ۱۳۵ لایحه اصلاحی قانون تجارت ۱۳۴۷، مستنبط از ماده ۵۸۸ و ۵۸۹ قانون تجارت، بر این باورند که مدیران رکنی از ارکان شرکت محسوب می‌شوند (کاتبی، ۱۳۸۹: ۸۳).

۴. ضمانت اجرا

از آنجا که اطلاعات مال ملموس نیست، پیش از حکم به مسئولیت ناشی از سوءاستفاده از آن، باید مالیت آن را اثبات کرد.

۱.۴. مالیت اطلاعات

از شبهه‌هایی که ممکن است در حکم به لزوم جبران خسارت وارده به شرکت در صورت سوءاستفاده مدیران از اطلاعات شرکت

1. Permanent Building Society v Wheeler (1994)

2. m Software v Fassih (2005)

3. the fundamental duty to which a director is subject

4. Shepherds Investments Ltd v Walters (2007)

به وجود آید این است که اطلاعات امری غیر مادی است و به این اعتبار که تلف بر غیر مال مادی اطلاق نمی‌کند نمی‌توان آن را تلف‌شده دانست و حکم به جبران خسارت داد.

امروزه در خصوص مالیت اطلاعات کمتر تردیدی وجود دارد. مال در فقه به این شرح تعریف شده است: «المال ما یبذل بازائه المال»؛ یعنی مال چیزی است که در مقابل آن مال بدهند. در این تعریف فقهی مال دور وجود دارد. زیرا تعریف مبتنی بر تعریف خود مال است (محقق داماد، ۱۳۸۴: ۱۱۱). بنابراین، مشهور بر این نظر هستند که مال به اشیائی اطلاق می‌شود که دارای منافع محصل و قابل توجه و مقصود برای عقلاً باشد و اشیائی که فاقد این نوع منافع هستند مال محسوب نمی‌شوند (عمیدزنجانی، ۱۳۹۱: ۲۰۷). این تعریف با تعاریف عامه نیز تناسب دارد. زیرا ایشان بیان می‌دارند: «إنّ المال ما کان منتفع به و هو إمّا أعیان أو منافع» (الزركشی، ۱۹۸۵: ۳۴۳)؛ یعنی مال چیزی است که به آن انتفاع برده شود و این مال یا عین است یا منفعت. سیوطی نیز در تعریف مال آورده است: «ما لا یترکه الناس» (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۶: ۳۲۸)؛ یعنی آنچه مردم آن را دور نمی‌ریزند. این عبارات نشان می‌دهد که عرف دخیل در مالیت است. حنبلی‌ها می‌گویند: «إنّ المال ما فیه مصلحۀ لمباحة لغير حاجة أو ضرورة» (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۶: ۳۲۸). یعنی مال چیزی است که منفعتی مباح در غیر موارد احتیاج و ضرورت دارد. بنا بر این تعریف، مال شامل همه مواردی است که منفعتی مباح دارد و در مالیت عینیت شرط نیست.

به نظر می‌رسد بهتر است در تعریف مال گفته شود مال چیزی است که نزد مردم مطلوب است و به طور مستقیم یا غیر مستقیم نیازهای آنان را برطرف می‌کند و با این تعریف اطلاعات شرکت نیز ذیل عنوان مال قرار می‌گیرد.

۲.۴. جبران خسارت

هرگاه بحث از ضمانت اجرای نقض تعهد می‌شود ابتدا جبران خسارت به ذهن می‌رسد. مستفاد ماده نخست قانون مسئولیت مدنی هر کس به واسطه عمل نامشروعش به دیگری ضرر رساند باید این ضرر را جبران کند و هیچ ضرری نباید جبران نشده باقی بماند. تردیدی نیست مدیری که از اطلاعات شرکت سوءاستفاده کرده و باعث ضرر به شرکت شده ملزم به جبران خسارت وارده است. اما اختلاف اصلی بر سر این موضوع است که مبنای این مسئولیت قراردادی است یا قهری؟

اگرچه به موجب ماده ۵۱ قانون تجارت، مصوب ۱۳۱۱، در خصوص شرکت‌های سهامی سابق مسئولیت مدیر شرکت در مقابل شرکا همان مسئولیتی است که وکیل در مقابل موکل دارد، این قاعده قدیمی با مقتضیات اداره شرکت‌های سهامی در دوران معاصر قابلیت انطباق ندارد. زیرا مدیران با رأی اکثریت انتخاب می‌شوند نه به انتخاب همه سهام‌داران. همچنین، قانون تجارت اصلاح‌شده ایران در سال ۱۳۴۸ اعمال اختیارات قانونی را مبنای مسئولیت مدیران شرکت شناخته است. ماده ۱۱۸ قانون اصلاحی بیان کرده است که جز درباره موضوعاتی که به موجب مقررات این قانون تصمیم گرفتن درباره آنها در صلاحیت مجمع عمومی است مدیران شرکت دارای همه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت هستند؛ مشروط بر اینکه تصمیمات و اقدامات آنها در حدود موضوع شرکت باشد. محدود کردن اختیارات مدیران، در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجمع عمومی، فقط از لحاظ رابطه میان مدیران و صاحبان سهام معتبر است و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کأن لم‌یکن است. به موجب قانون مدنی ایران، هرگاه حدود اختیارات وکیل مشخص نشده باشد وکالت مطلق است و صرفاً ناظر به اداره اموال موکل خواهد بود. مواد ۶۶۶ و ۱۶۱ قانون مدنی در خصوص این موضوع تصویب شده‌اند. ولی ماده ۱۱۸ قانون تجارت دامنه اختیارات مدیران را به موضوع شرکت محدود کرده است و اشخاصی که با شرکت معامله می‌کنند لازم نیست در هر مورد حدود اختیارات مدیران را احراز کنند. بدیهی است که هرگاه مدیران خارج از حدود اختیارات تفویض شده به آنها تعهداتی برای شرکت ایجاد کنند سهام‌دارانی که دارای دست‌کم یک‌پنجم سهام شرکت باشند می‌توانند به موجب ماده ۲۷۶ قانون تجارت علیه آنان مبادرت به طرح دعوی مشتق کنند (نصیری، ۱۳۸۲: ۱۸۲). اما برخلاف موردی که وکیل خارج از حدود اختیارات خود عمل کرده است معاملات که مدیران خارج از حدود اختیارات انجام داده‌اند از لحاظ اشخاص ثالث معتبر خواهد بود. با این همه، در همه مواردی که اقدامات مدیران خارج از موضوع شرکت باشد اشخاص ثالث مصون نخواهند بود. قانون تجارت ایران در مورد استفاده مدیران از فرصت‌های شغلی تا زمانی که از این رهگذر زبانی به شرکت یا سهام‌داران شرکت وارد نشده باشد ساکت است. مثلاً بندهای ۲ و ۳ و ۴ ماده ۲۵۸ قانون تجارت اصلاحی این را که مجازات‌هایی برای استفاده از اموال یا اعتبارات شرکت برای مقاصد مشخص

مقرر کرده است با ذکر عبارت برخلاف منافع مواردی که استفاده شخصی از اموال و اعتبارات شرکت زبانی به آن وارد نمی‌کند از شمول حکم مستثنا کرده است. بدین ترتیب مبنای مسئولیت مدیران در استفاده از فرصت‌های شغلی اولاً انتقال اموال و اعتبارات شرکت و ثانیاً انتفاع به ضرر شرکت است. پس، باید مبنای این مسئولیت را قهری و نه قراردادی دانست.

۳.۴. استرداد منافع

صرف الزام امین به جبران خسارت ناشی از سوء استفاده از اختیارات امانی به تنهایی بازدارندگی کافی ندارد. این امر از یک سو به جهت دشواری اثبات رابطه سببیت میان زیان وارده به شرکت و اقدامات مدیران و از دیگر سو به جهت اثبات تقصیر مدیران است که به جهت قرار دادن بار اثبات بر عهده مدعی باعث ناکارآمدی این ضمانت اجرا می‌شود. در این زمینه و به جهت جبران نواقص، نظام مسئولیت مبتنی بر استرداد منافع در نقض تعهدات امانی پیشنهاد شده است. در این نظام به جای جبران خسارت پیشنهاد می‌شود همه منافع حاصل از سمت امانی به ذی‌نفع (در اینجا شرکت تجاری) بازگردد و تقصیر یا عدم تقصیر امین و وارد شدن یا وارد نشدن خسارت به شرکت مدخلیتی در مسئولیت امین ندارد. در نتیجه به صرف تحصیل منفعت از قبل اطلاعات مربوط به شرکت مدیران موظف به استرداد منافع هستند و مهم نیست در این مسیر به شرکت خسارتی می‌رسد یا حتی انتفاعی می‌برد یا خیر.

تحولات مدرن در ارتباط با غرامت عادلانه ناشی از نقض تعهدات امانی با دعوی ناکتون در مقابل لرد اشبرتون^۱ شروع شد. این رأی نشان داد در جبران خسارت علاوه بر زیان وارده نقض تعهدات امانی نیز باید لحاظ شود و به این اعتبار جبران خسارت خاصیتی دوگانه دارد. این معنی از متن رأی فوق نیز قابل استنباط است؛ بدین نحو که قاضی بیان داشته دادگاه باید خواهان را در وضعی مناسب قرار دهد؛ مشابه حالتی که وی در صورتی که خوانده تعهداتش را اجرا می‌کرد در آن قرار داشت.

نظر محاکم در موافقت با سببیت و رد پرداخت زیان گسترده را شاید بتوان نتیجه قیاس نقض تعهد امانی با مسئولیت تراستی در صورت نقض تراست قیاس کرد. در آنجا بحث بر سر این است که تعهد اصلی تراستی حفظ و اداره تراست موافق مفاد است و تعهد به استرداد تعهد ثانوی اوست. از این امر می‌توان استنباط کرد که ارتباطی میان نقض تعهد امین و وظیفه وی به جبران خسارت وجود ندارد. اینکه حکم به استرداد منافع دارای چه مبنایی باشد می‌توان در دو قالب به توجیه آن در حقوق ایران پرداخت:

۱.۴.۴. حکم به استرداد منافع به منزله مسئولیت قراردادی

حکم به استرداد منافع چه در حقوق ایران چه در کامن لا حکم به استرداد فرع بر قرارداد نیست (نعمت‌اللهی، ۱۳۹۹: ۱۶۹). اما می‌توان بر اساس مفهوم شرط ارتکازی مبنایی قراردادی برای آن یافت. در حکم به استرداد هدف جبران خسارت نیست؛ بلکه از آن جهت که مدیر با هزینه شرکت منفعتی تحصیل کرده ملزم به استرداد منفعت می‌شود (McKendrick, 2012: 365). بنا بر قواعد عمومی و مدلول ماده ۱۰ قانون مدنی هیچ منعی ندارد که طرفین به استرداد منافع به شرکت تراضی کنند. این تراضی ممکن است به صراحت در اساسنامه شرکت قید شود یا صراحت ماده ۲۲۵ قانون مدنی به جهت عرف حاکم به منزله درج در عقد باشد. به راستی آیا عرف و عقل (با عنایت به قاعده من له الغنم) منافع حاصل از مالی را متعلق به مالک مال (شرکت) نمی‌داند؟

۲.۴.۴. حکم به استرداد منافع به منزله ضمان قهری

سابق بر این بیان شد که تراضی ضمنی یا صریح طرفین می‌تواند مبنایی برای حکم به استرداد مدیران باشد. اما، اگر این مبنا را هم نپذیریم، اصل «جبران کامل ضرر» در نظام مسئولیت مدنی نظام رومی-ژرمنی (Saidov, 2008: 25) و قاعده «علی الید» در فقه اسلامی در ضمان قهری می‌تواند تکیه‌گاهی برای حکم به استرداد منافع به عنوان ضمانت اجرای نقض تعهد امانی مدیران باشد. فارغ از آنکه خیانت و فرصت‌طلبی مدیران به قیاس متولی مستفاد ماده ۸۰ قانون مدنی می‌تواند موجب انزال ایشان باشد، امین نمی‌تواند به دنبال فرصت‌جویی و کسب منفعت باشد و چنانچه منفعتی تحصیل کند ملزم به استرداد آن است. این امر تبیینی با لزوم جبران خسارت بر اساس این قاعده ندارد (عباسی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱۳).

1. Nocton v Lord Ashburton (1914) AC 932.

نتیجه

منظور از مدیر در قانون تجارت همان اعضای هیئت‌مدیره شرکت است و تطبیق آن به مدیرعامل مستلزم تفسیر موسع است. از این رو مقررات قانون تجارت با مقتضیات اجتماعی و اقتصادی هم‌سو به نظر نمی‌رسد. مدیران شرکت‌ها به سبب سمت مدیریت امین محسوب می‌شوند و نظر به رابطه امانی که بین ایشان و شرکت ایجاد می‌شود مسئولیت امانی بر ایشان بار می‌شود. در این زمینه، با تحمیل الزامات چهارگانه امانی بر ایشان، مسئولیت مدیران مانع می‌شود تا با سوءاستفاده از اطلاعاتی که به جهت مدیریت شرکت به دست می‌آورند در تجارت با شرکت موقعیتی بالاتر به دست آورند یا حتی فراتر از آن امکان رقابت با شرکت را بیابند. ضمانت اجراهای نقض تعهد امانی یادشده در دو دسته جای می‌گیرند. در دسته نخست تعهد عام به جبران خسارت وارده به ثالث قرار می‌گیرد که تعهدی عام است و اختصاصی به مسئولیت امانی ندارد و در دسته دوم به صورت خاص‌تر مدیران ملزم به استرداد منافی هستند که از رهگذر استفاده از اطلاعات شرکت تحصیل کرده‌اند و برای این تعهد می‌توان به رضایت و قصد ضمنی طرفین تمسک جست.

منابع

- اسکینی، ربیعا (۱۳۹۸). حقوق تجارت: شرکت‌های تجاری ج ۲. تهران: سمت..
- بادامچی، حسین (۱۳۹۲). قانون حمورابی (با ترجمه متن اکدی). نگاه معاصر.
- الزرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله بن بهادر الشافعی (۱۴۰۵ ق / ۱۹۸۵ م). *المنثور فی القواعد*. الطبعة الثانية. وزارة الأوقاف الكويتية طباعه شركة الكويت للصحافة.
- صادقی‌نشاط، امیر و شعبانی کندسری، هادی (۱۳۹۵). اعتبار محدودیت اختیارات مدیران و مدیرعامل شرکت‌های سهامی؛ نقد رویه قضایی. *پژوهشنامه بازرگانی*، ۸۰، ۴۵ - ۷۳.
- عباسی، مجید؛ صغیری، اسماعیل و پاشازاده، حسن (۱۳۹۶). جایگاه نظریه مسئولیت استردادی در فقه امامیه. *پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی*، ۵۰، ۱۱۳ - ۱۴۶.
- عمیدزنجانی، عباس علی (۱۳۹۱). *قواعد کلی عقود البیع و المتاجر*. تهران: خرسندی.
- عیسای تفرشی، محمد (۱۳۷۸). *مباحثی تحلیلی از حقوق شرکت‌های تجاری*. تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- فاضل لنکرانی، محمدجواد (۱۳۹۶). *ضمان انخفاض قیمه النقد*. محرر: احسان عابدین‌پور. محقق: مرکز فقهی ائمه اطهار^(ع). قم: مرکز فقه ائمه الأطهار.
- فاضل لنکرانی، محمدجواد (۱۳۹۶). *مکاسب محرمة*. محرر: محسن برهان‌مجرد و سلمان علوی و محسن بوالحسنی. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار^(ع)، معاونت پژوهشی.
- کاتبی، حسین‌قلی (۱۳۸۹). *حقوق تجارت*. تهران: گنج دانش.
- محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۴). *قواعد فقه (بخش مدنی - مالکیت و مسئولیت)*. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مه‌دیان، امیرحسین؛ فلاح، اکبر و فقیهی، علی (۱۴۰۰). بررسی فقهی و کالتی بودن جایگاه مدیران در شرکت‌های سهامی خاص (قانون تجارت ایران). *مطالعات فقه اقتصادی*، ۵، ۲۶۳ - ۲۸۱.
- نصیری، مرتضی (۱۳۸۲). *مبانی حقوقی تأمین اجتماعی در ایران*. مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- نصیری، مرتضی (۱۳۸۳). *حقوق تجارت بین‌المللی در نظام حقوق ایران*. تهران: امیرکبیر.
- نعمت‌اللهی، اسماعیل. استرداد عوض به عنوان شیوه جبران نقض قرارداد در کامن لا و حقوق ایران. *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، ۴، ۱۶۹ - ۱۹۷.
- نیک‌نژاد، جواد (۱۳۹۰). جایگاه حقوقی مدیران شرکت‌های سهامی در فقه، حقوق ایران، و انگلستان. *پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی*، ۲۵، ۱۶۹ - ۲۰۰.
- Abbasi, M., Saghiri, E., & Pashazadeh, H. (2017). The Position of the Theory of Restitutionary Responsibility in Imamiyyah Jurisprudence. *Islamic Jurisprudence and Law Research Quarterly*, Year 14, No. 50, 113-146. (in Persian)
- Amid-Zanjani, A.A. (2012). *General rules of contracts of Kitab Al-Bai and Al-Matajer*. Tehran: Khorsandi. (in Persian)
- Badamchi, H. (2012). *Hammurabi's law (with the translation of the Akkadian text)*. negah-e-moaser. (in Persian)
- Birks, P. (2000). Lionel Cohen Lecture: The Content of Fiduciary Obligation. *Israel Law Review*. Vol. 34, Issue 1, 3-38.
- Conaglen, M. (2010). *Fiduciary Loyalty: Protecting the Performance of Non-fiduciary Duties*. London: Hart Publishing.
- Fazel Lankarani, M.J. (2017). *Guaranteeing The Reduction of The Price of Money*. Edited by Ehsan Abedinpour. Researcher of the Jurisprudence Center of the Athar Imams. Qom: Fiqh Center of the Imams of the Athar. (in Persian)
- (2017). Makasab Mahrameh. Edited by Mohsen Burhan-Majard and Salman Alavi and Mohsen Boalhasani. Qom: Jurisprudence Center of Imams Athar. Research assistant. Vol. 2. (in Persian)
- Finn, P. (2016). *Fiduciary Obligations*. Australia: The Federation Press.
- Gelter, M. & Helleringer, G. (2018). *Fiduciary Principles in European Civil Law Systems*. ECGI.
- Getzler, O. J. (2006). Inconsistent Fiduciary Duties and Implied Consent. *Law Quarterly Review*. 122
- Goode, R. (2011). Proprietary Liability for Secret Profits: a Reply. *The Cambridge Law Journal*, 70(3).
- Heydon, D. (2014). Modern fiduciary liability: the sick man of equity?. *Trusts & Trustees*, Vol. 20, Issue 10, 1006-1022.
- Hudson, A. (2017). *Equity and Trusts*. London: Routledge.
- Isaia Tafarshi, M. (2000). *Analytical Discussions of the Laws of Commercial Companies*. Tehran: Tarbiat Modares University Publications. (in Persian)

- Katbi, H.Q. (2009). *Business Law*. Tehran: Ganj Danesh Publications. (in Persian)
- Lim, E. (2015). Contracting out of fiduciary duties. *Common Law World Review*, 44(4), 276–297.
- Mahdian, A.H., Fallah, A., & Faqihi, A. (2021). Jurisprudential examination of the position of managers in private joint-stock companies (Iranian Commercial Law). *Economic Jurisprudence Studies Quarterly*, No. 5, 263-281. (in Persian)
- McKendrick, E. (2012). *Contract Law Text, Cases, and Materials*. Fifth Edition. Oxford University Press.
- Millett, P. (2012). Bribes and Secret Commissions Again. *The Cambridge Law -Journal*, 71(3).
- Mohaghegh-Damad, M. (2005). *Jurisprudence Rules* (Civil Section - Ownership and Responsibility). Tehran: Islamic Sciences Publishing Center. (in Persian)
- Nasiri, M. (2012). *Legal Foundations of Social Security in Iran*. Higher Institute of Social Security Research. (in Persian)
- Nasiri, M-. (2013). *International Trade Laws in Iran's Legal System*. Tehran: Amir Kabir Publications. (in Persian)
- Nematollahi, I. (2011). Restitution of Awad as a method of compensation for breach of contract in common law and Iranian law. *Comparative Law Research Quarterly*. Vol. 24, No. 4. (in Persian)
- Niknejad, J. (2011). The legal position of directors of joint stock companies in jurisprudence, Iranian, and English law. *Islamic Jurisprudence and Law Research Quarterly*, Year 7, No. 25, 169-200. (in Persian)
- Nolan, RC. (1997). A Fiduciary Duty to Disclose?. *Law Quarterly Review*, 113,220–242.
- Norwood, P. & Beveridge, Jr. (1992). The Corporate Director 's Fiduciary Duty of Loyalty: Understanding the Self-Interested Director Transaction. *DePaul Law Review*, 41, 655-682.
- Ruder, D. (1985). Duty of Loyalty—A Law Professor's Status Report. *The Business Lawyer*, 4, 1383-1402.
- Sadeghi-Neshat, A. & Shabani Kandsari, H. (2015). Validity of limited powers of managers and CEOs of joint-stock companies; Criticism of judicial practice. *Commercial Research Quarterly*, No. 80, 45-73. (in Persian)
- Saidov, D. (2008). *The Law of Damages in International Sales*. The CISG and other International Instruments. Oxford and Portland. Oregon.
- Sherman, Ch. Ph. (2012). *Roman Law in the Modern World*. New York: Ulan Press.
- Skini, R. (2018). *Commercial Law: Business Companies*. Samt Publications. Vol. II. (in Persian)
- Smith, L. (2013). Constructive Trusts and The No-Profit Rule. *The Cambridge Law Journal*, 72(2).
- Worthington, S. (2013). Fiduciary Duties and Proprietary Remedies: Addressing the Failure of Equitable Formula. *The Cambridge Law Journal*, 72(3), 720–752.
- Al-Zarkashi, Badr Al-Din Muhammad Bin Abdullah Bin Bahader Al-Shafei (1985). *Manifested in the Rules*. Edition: Second. Kuwaiti Ministry of Awqaf (Printed by Kuwait Press Company). (in Arabic)